

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار

معاون ضمام: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: محمد جعفری

با تشکر از: جواد عزیزی

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
ویرایش عکس: کامبیز نویدی، ویراستاران: فرهاد غلامرضایی، فاطمه ناصری الاشتی

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶

تلفن: ۲۳۰۲۳۶۲۳

نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک: مؤسسه نشر گستر امر روز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، رسید به پارکوی، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

همشهری

گروه ضمام همشهری ناشر نشریات:
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،
سرخ و محله



قتل اسرار آمیز دختر جوان

معمای شماره ۳۱

معمای پلیسی



پاسخ‌های تان را از طریق پیامک
به شماره ۳۰۰۹۹۹۰۱ ارسال
کنید. به ۳ نفر از افرادی که
پاسخ درست را ارسال کرده
باشند به قید قرعه کارت هدیه
۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

پاسخ معمای شماره ۳۰

در معمای پلیسی شماره قبل اشاره شد که در جریان وقوع سرقت از خانه زن و شوهر جوانی آنها مدعی شدند که مقدار زیادی پول و طلا از خانه‌شان سرقت شده است. با وجود این کارآگاهان پلیس در بررسی‌های میدانی خود پی بردند که سرقتی اتفاق نیفتاده و زن و شوهر جوان با صحنه‌سازی قصد فریب مأموران را دارند و ماجرا یک سرقت ساختگی است. پرسیده بودیم که کارآگاهان چطور متوجه ساختگی بودن سرقت شده‌اند؟ در نگاه اول به نظر می‌رسید که سارقان با شکستن شیشه خانه توانسته‌اند وارد آنجا شوند و سرقت را انجام دهند اما به دلیل اینکه داخل خانه هیچ شیشه شکسته‌شده‌ای وجود نداشت و چند تکه شیشه در بیرون خانه، زیر پنجره افتاده بود، آنها به این نتیجه رسیدند که شیشه از داخل خرد شده و زن و شوهر جوان دست به صحنه‌سازی زده‌اند و قصد دارند پلیس را گمراه کنند.

کرده باشد. به همین دلیل بود که خیلی زود فرضیه خودکشی منتفی شد و کارآگاهان به بررسی فرضیه‌های دیگری در این جنایت پرداختند. کارآگاهان در ادامه به بررسی زندگی خصوصی مقتول پرداختند و پی بردند که او از مدتی قبل با پسری جوان در ارتباط بوده و قصد ازدواج با وی را داشته است و تحقیق از او ممکن بود اطلاعات مفیدی در اختیار مأموران قرار دهد. با احضار پسر جوان معلوم شد که خانه او در نزدیکی محل وقوع جنایت قرار دارد و همین موضوع ماجرا را پیچیده کرد. از سویی مطابقت چهره او با عکس‌هایی که در خودروی مقتول کشف شده بود، نشان می‌داد که عکس‌ها متعلق به اوست، اما هنوز معلوم نبود دختری که در عکس‌ها کنار او قرار دارد چه کسی است. در این شرایط وی تحت بازجویی قرار گرفت و چند دقیقه بعد به قتل دختر جوان اعتراف کرد. او گفت: مدتی با مقتول در ارتباط بودم و قصد ازدواج داشتیم؛ اما رفتارهای تند او من را از این کار منصرف کرد. از طرفی من به دختر دیگری علاقه‌مند شده بودم و می‌خواستم با او ازدواج کنم. مقتول که از این موضوع باخبر شده بود می‌گفت آبرو ریزی می‌کند و... من هم وقتی او نزدیک خانم آمده بود نقشه قتلش را اجرا کردم. به نظر شما دختر جوان با وجود شرایطی که گفته شد، چگونه به قتل رسیده است؟

چند روز قبل به کارآگاهان پلیس خبر رسید دختر جوانی در یکی از خیابان‌های شمال شهر به قتل رسیده است. دقایقی بعد از این خبر بود که گروهی از کارآگاهان جنایی برای بررسی حادثه به محل آن رفتند. ماجرا از این قرار بود که دختری جوان که بین ۲۷ تا ۳۰ سال سن داشته، سوار بر خودروی ویش و در حالی که پشت فرمان بوده، با شلیک ۲ گلوله به قتل رسیده است. شواهد به دست آمده از صحنه جرم حاکی از آن بود که خودروی لوکس و مدل بالای مقتول در انتهای کوچه‌ای بن بست که چند ساختمان بلند در آنجا قرار دارد پارک شده و احتمالاً مقتول در آن منتظر کسی بوده که این حادثه رخ داده است. آنها در داشبورد خودرو چند عکس کشف کردند که دختر و پسر جوانی را نشان می‌داد؛ اما هنوز معلوم نبود که آنها چه کسانی هستند و چرا عکس‌هایشان در خودروی مقتول است. با اینکه شواهد و آثار به جامانده نشان می‌داد که مقتول داخل خودرو هدف گلوله قرار گرفته، اما نکته عجیب آن بود که درهای خودرو قفل و همه شیشه‌های آن سالم بود. در این شرایط چطور امکان داشت که گلوله‌ای از خارج خودرو به سوی مقتول شلیک شده باشد؟ به همین دلیل کارآگاهان به بررسی فرضیه خودکشی پرداختند. در خودرو هیچ اسلحه‌ای وجود نداشت. همچنین گزارش اولیه متخصصان پزشکی قانونی نشان می‌داد که گلوله‌ها از فاصله نزدیک شلیک نشده و از سویی زاویه اصابت گلوله‌ها نیز به گونه‌ای نبود که مقتول به خودش شلیک

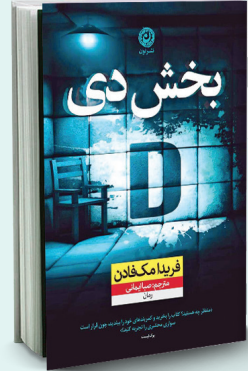
بخش دی



معرفی کتاب

کتاب «بخش دی» نوشته فریدا مک‌فادن با ترجمه صبا ایمانی از سوی نشر نون منتشر شده و درباره بخشی از یک بیمارستان به نام «بخش دی» است؛ جایی که بیماران دچار اختلالات اعصاب و روان در آن نگهداری می‌شوند و ماجراهای عجیبی در

علی‌الله سلیمی
آن اتفاق می‌افتد. این کتاب، داستان دانشجویی به نام ایملی برنر است که باید ۱۳ ساعت را در بخش روانشناسی بیمارستان سپری کند؛ جایی که درهای آن قفل است.
فریدا مک‌فادن با تجربه پزشکی خود خواننده را به چالش می‌کشد. او خوب می‌داند چه اتفاقی می‌تواند اوج هیجان را در خواننده ایجاد کند و چگونه با داستانی روان‌شناختی، تعلیق را تا نقطه اوج بالا ببرد. نویسنده با زبانی روان و ساده ماجرای هیجان‌انگیز و ترسناک روایت می‌کند. اما شما فقط با یک داستان مهیج طرف نیستید.
مک‌فادن تلاش خود را به کار برده تا مفهوم مشکلات روانی را واضح و مشخص توضیح دهد و ذهنیت منفی و تاریکی را که نسبت به بیماران روحی وجود دارد تا حدی برطرف کند. او در این کتاب خواننده را به کنار بیماران می‌برد و در نزدیک‌ترین حالت با آنها روبه‌رو می‌کند. در این داستان، ایملی با وارد شدن به این بخش متوجه می‌شود که یک سری اتفاقات عجیب و غریب در اطرافش در حال وقوع است. بیماران و کارکنان بدون هیچ دلیلی ناپدید می‌شوند و این یعنی همه افرادی که در بخش دی هستند در خطرند. هیچ‌کس نمی‌داند چه اتفاقی در حال وقوع است و ایملی خود را در دل خطری می‌بیند که معلوم نیست جان سالم از آن به‌در ببرد. او که از حضور در بخشی ایملی و بدون مشکل می‌ترسید، حالا خود را در بخشی وحشتناک‌تر از آن چیزی که تصور می‌کرد می‌بیند. نویسنده هم‌زمان با زمان حال، خواننده را به ۸ سال گذشته می‌برد و از ماجرای که در آن زمان برای ایملی اتفاق افتاده است، پرده برمی‌دارد.



کلاغ

معرفی فیلم

نسخه‌های قبلی، این فیلم بر عناصر فراطبیعی فراتر از بازگرداندن یک قهرمان مرده به زندگی تمرکز دارد و داستان را به اسطوره اورفئوس نزدیک‌تر می‌کند؛ جایی که اریک دراون به‌عنوان یک موجود خشن و انتقام‌جو تجسم می‌یابد. در پایان، «کلاغ» با نسخه پیشین خود متفاوت است. این فیلم یک اثر نئو-نوار است که شاید به اندازه نسخه ۱۹۹۴ متمرکز و پرنانرژی نباشد اما ویژگی‌های خود را دارد. اکتشاف اریک در تبدیل شدن به یک ماشین قتل در نام عشق و انتقام، با فضایی تلخ و رازآلود همراه است که یادآور اشعار ادگار آلن پو و فضای سیاه آثار رمانتیک است.
هرچند این فیلم از برخی کاستی‌ها رنج می‌برد، اما لحظاتی در آن وجود دارد که مو را بر تن بیننده سیخ می‌کند و ممکن است در آینده به یک فیلم کالت تبدیل شود. برای طرفداران «کلاغ»، این بازسازی ممکن است یک یادآوری تلخ از آن باشد که برخی داستان‌ها بهتر است همانطور که هستند باقی بمانند؛ با این حال «کلاغ» همچنان اثری است که ارزش دیدن دارد.

فیلم «کلاغ» بازسازی‌ای سیاه و متفاوت از یک اثر کلاسیک است که با رویکردی جدید، شما را به چالشی احساسی و فکری دعوت می‌کند. این فیلم به کارگردانی روبرت سندرز یک بازسازی از فیلم کلاسیک سال ۱۹۹۴ است.
فیلم «کلاغ» داستان اریک دراون را روایت می‌کند؛ یک موسیقیدان که به‌همراه نامزدش، شلی، قربانی خشونت یک باند جنایتکار به رهبری وینسنت روگ می‌شوند. پس از این حادثه، اریک با کمک یک کلاغ مرموز به زندگی بازمی‌گردد تا انتقام خود را از قاتلان بگیرد. در طول فیلم، اریک با چالش‌های فراوانی روبه‌رو می‌شود که او را مجبور می‌کند بین عشق به شلی و میل به انتقام یکی را انتخاب کند. این سفر سیاه و پیچیده اریک، او را به مسیری می‌کشاند که در آن باید با گذشته‌اش و قدرت‌های جدید خود روبه‌رو شود.
فیلم «کلاغ» صرفاً یک بازسازی برای کسب درآمد نیست. این فیلم با تعهد به موضوعات سیاه و توسعه یک جهان بینی پیچیده، خود را از دیگر آثار مشابه متمایز می‌کند. برخلاف

